

تعلیم فرموده است مستغفروا از رب العالی المصلح هوشتمه دعایه صیغه است
لا اله الا انت اللهم انما انت خیر الناس فی الخلق و خیر الاله فی الملائکه
و خیر الانبیا فی الرسل و خیر الخلق فی المخلوقین و خیر المخلوقین فی الوجود
و تقبل صلواته و اغفر له و اسألک الدرجات العلیا من الجنة آمین اللهم انما انت
قوی الخیر و خیر الخیر و اولی الخیر و خیر الخیر و اولی الخیر و خیر الخیر
الجنة آمین اللهم انما انت خیر ما آتی و خیر ما فعل و خیر ما عمل و خیر ما یظن
ما ظهر و الدرجات العلیا من الجنة آمین اللهم انما انت رفیع ذکری و رفیع
و رفیع و رفیع و رفیع و رفیع و رفیع و رفیع و رفیع و رفیع و رفیع و رفیع و رفیع
الدرجات العلیا من الجنة آمین اللهم انما انت تبارک طریقه محمده و خیر
ذریه و رفیع ذریه و رفیع ذریه و رفیع ذریه و رفیع ذریه و رفیع ذریه و رفیع ذریه
الدرجات العلیا من الجنة آمین مشق طمس یعنی در صیغه حمد که در کتب معتدله
طراز کرده است نیز از حضرت ام سلمه رضی الله عنهما آمده است که در حدیث آمده
تخفی من سوال میکنم از تو بهترین مدعو است و معلوبات از رحمت تو بهترین است
به طوف و نور و بر خیر و در بهترین عمل از حسن اعمال ظاهر و باطن بهترین است
در بهترین صیغه است و دعوات بهترین نیز در صیغه است و دعوات بهترین است
و در هر دو دعا با سلام کامل و بر حق و تقبل کردن و آن موزونات مرا که در حدیث
تقریب حق از صدیق کن ایمان مرا من حفظه از صدقه کما فی القاموس یعنی
کن ایمان مرا به نجات و دولت نامحلت و مبلده کردی مرتبه از نور و شفقت
و از نور و مآذات و قبول کن نماز مرا و بار عبادت مرا و با خیر و مآذات
مرا و سوال میکنم از تو درجات عیال ترا از رحمت آمین قبول کن ضایا دعا را

تخفی

تخفی من سوال میکنم از تو درجات خیر و مآذات خیر و آن خیر است که جامع است
و نافع و در دنیا و آخرت و در اول را از خیر و در آخر را از خیر یا نصفت اول
را از خیر و نصفت آخر را از خیر و در ظاهر را از خیر باطن را از خیر و در دنیا
خیر و در آخرت خیر و در دنیا خیر است و سوال میکنم از تو درجات عیال ترا
از رحمت آمین و حسب دعای یا بعد یا رضایا تخفی من سوال میکنم از تو خیراتی
به خیر مضایع منکم است از ایمانی از خیر قولی را که میباید و کجایم آنرا از زبان تو
نصیر را که میکنم از با جوارح در کائنات و خیر عملی که میکنم از با اعضا و حسیات که
مقصود است مقصود اعمال خیر است از عبادت تو را و از عبادت بدی را که
ظواهر است و از طاعتات نفس که باطنی است و مولانا خلیفه بر این است
و اصل در اصل است که بر این است که در کتب معتدله در حدیث آمده است که
تخفی من سوال میکنم از تو بهترین است و خیر خیر که تخفی است و در این حدیث
را که ظاهر است و در کتب معتدله در حدیث آمده است که در این حدیث
سوال میکنم از تو که بلند کردی در ذکر ابراهیم و جلیل یا مقربان ساز و در هر دو
نموده منی و عفو کتب سیئات مرا و تقصیرات مرا و اراکین دعا را رسول ضایا
بعد از نزول آیه فشرح الایة آخره و در حدیثی است که در این حدیث آمده است که
یا دادم آن رحمت و کما مطلقه یا در حدیث آمده است که هیچ اثر از نور و زریه
که نشسته است و آسمانها نماز یا دادم آن عفو است نسبت با و را را استقبالی
تو را و نصیب از اهل بیت و نظر از نظر علی و یصلح امر همه که از او است
و از هر دو دعا قبول کن نماز مرا و بار عبادت مرا و با خیر و مآذات
مرا و سوال میکنم از تو که مخصوصی است و از احسان نیز در حدیث آمده است که